مهدويّت و شكوفايي و بالندگي انسان

 رحيم كارگر

«عصر ظهور»، عصر زيبايي ها، نوآوري‌ها، شكوفايي‌ها و خير و خوبي‌ها است؛ دوران معنويت‌گرايي، خردورزي و دادگري مطلق است؛ هنگامه رويش و بالندگي روحي و تكامل واقعي است؛ زمان نعمت، رحمت، بركت و پيشرفت است؛ دوران حاكميت دين، قانون، نظم و عدل است... اين تصوير كلي با جزئيات كامل آن در منابع ديني ما ارائه شده و دورنماي آينده را، روشن، منطقي و متعالي جلوه داده است.

تصوير يادشده، نشانگر تغييرات و تحولات گسترده و فراگير در تمامي عرصه‌هاي زندگي و حكايت‌گر نو شدن، شكوفا گشتن و به اوج رسيدن است. البته «كمال انسان»، با وجود «انسان كامل» و «به دست كمال بخش» او قابل دستيابي است و به همين جهت عصر ظهور، دوران تجلي و تبلور خيرات و زيبايي‌ها به دست مصلح كل و منجي موعود امام مهدي عجل الله تعالي فرجه است.

آينده به نام تو رقم خواهد خورد

بر باورمان جمعه قسم خواهد خورد

روزي كه بهار با تو آغاز شود

نوروز تصنعي به هم خواهد خورد

يكي از ويژگي‌هاي بارز و برجسته اين عصر، «شكوفايي انسان» است؛ يعني، رونمايي از همة استعدادها و ظرفيت‌هاي وجودي انسان و بازگشايي راه‌هاي پيشرفت مادي و معنوي و بهره‌وري بهينه از نعمت‌ها و امكانات.

امام مهدي عجل الله تعالي فرجه زواياي نامكشوف و ناپيداي انسان را آشكار مي‌كند و گره‌هاي كور زندگي مبهم و جاهلانه او را مي‌گشايد. او حقايق و واقعيات حيات بشري را تبيين كرده و زمينه‌ها و بسترهاي رشد و فرارسايي او را مهيا مي‌سازد. او به امري عظيم قيام مي‌كند و پرده از امور مخفي و مجهول زندگي بر مي‌دارد.

ابي‌سعيد خراساني مي‌گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: براي چه ايشان «مهدي» ناميده شده است؟ فرمود: براي اينكه به هر چيزي كه مخفي باشد، هدايت مي‌شود... قطعاًَ او به امري عظيم قيام مي‌نمايد (لأنّه يهدي الي كلّ امر خفيّ… انّه يقوم بأمرٍ عظيم).[1]

امام گنج‌هاي وجودي انسان را آشكار مي‌سازد؛ همان گونه كه گنج‌هاي زمين را استخراج مي‌كند (يستخرج الكنوز و يفتح مدائن الشرك[2]) و او را با مقام و منزلت واقعي خود آشنا مي‌سازد. در واقع انسان هايي كه از فطرت و سيرت حقيقي و باطني خود دور شده و صورت غير انساني و ناراستي پيدا كرده‌اند، طبق همين صورت رفتار مي‌كنند و سيرت الهي و متعالي خود را فراموش كرده‌اند. فاجعه‌بارترين حالت براي آدمي، همين دوري از سيرت و فطرت الهي و گم‌گشتگي و حيرت است. نتيجه اين حيرت و صورت گزيني غير انساني، رفتارهاي رذيلانه و غير فاضله است؛ يعني، فرو رفتن در جهالت، جنايت، غفلت، ظلمت، حيوانيت و… به همين جهت جامعه انساني همواره آكنده از ظلم و ستم، فساد و تباهي، تجاوز و حق كشي، فقر و احجاف و تشويش و ناامني است.

تا زماني كه انسان‌ها با يك حركتي پويا و بنيادين، به شكوفايي سيرت الهي و حقيقي خود نپردازند و به آن حقيقت و ظرفيت وجودي خود باز نگردند، همه اين كاستي‌ها و ناراستي‌ها باقي مانده و جامعة بشري همچنان غرق در آلام، اضطراب‌ها و انحراف‌ها خواهد بود. علاوه بر اين، با شكوفايي ظرفيت‌ها و توانايي‌هاي انسان ـ و به تبع آن ظرفيت‌هاي طبيعت و…ـ و آشنايي عميق او باكرامت و منزلت واقعي و الهي خود، زمينه برون‌رفت اززندگي مادي و غير اصيل فراهم شده و بسترهاي سير و سلوك روحي و فكري و حركت كمال گرايانه او شكل خواهد گرفت.

اين گسست از پيشينه غير انساني و پيوست به آيندة رحماني و بازگشت به سيرت واقعي، به دست امام مهدي عجل الله تعالي فرجه در عصر ظهور صورت خواهد گرفت.

امام باقر عليه السلام مي‌فرمايد: «… يملأ الارض عدلاً و قسطاً و نوراً كما ملئت ظلماً و جوراً و شرّاً»[3]؛ «او زمين را آكنده از عدل، قسط و نور مي‌كند؛ همان گونه كه از بيداد، ستم و شرّ پر شده است» و نيز «يصنع كما صنع رسول الله يهدم ماكان قبله كما هدم رسول الله امر الجاهلية و يستأنف الاسلام جديداً بعد ان يهدم ماكان قبله»[4]؛ «]مهدي[ بر طبق شيوة رسول خدا رفتار مي‌كند و آنچه از نشانه‌هاي گذشته باشد از ميان بر مي‌دارد؛ همان گونه كه پيامبر صل الله عليه و آله نشانه‌هاي جاهليت را از بين برد. پس از ريشه كن ساختن گذشتة ]جاهلي[، اسلام را از نو احيا مي‌كند».

مي آيد و آيه‌هاي باران با اوست

بوي گل و عطر لاله زاران با اوست

مي آيد و باغ خشك جان‌هاي ملول

مشتاق كه رمز نوبهاران با اوست

با نگرشي دقيق و اصولي در روايات مربوط به عصر ظهور و حضور مستقيم امام معصوم در جامعة جهاني، مي‌توان ابعاد مختلف بازپروري ظرفيت‌هاي وجودي انسان و شكوفايي توانايي‌ها و استعدادهاي نهادي او را شناسايي كرد و زمينه‌هاي درك و فهم سازوكار اصلاح جامعه بشري و بهْ‌سازي رفتارها، گفتارها و پندارهاي انسان‌ها را ـ با توجه به سيرت الهي و واقعي آنها ـ فراهم ساخت. ترسيم بسيار دلپذير و دوست داشتني از عصر ظهور، مستلزم شناخت هرچه بيشتر نحوة رشد و تعالي انسان‌ها و زيباسازي روح و روان آنها است. بايد گام در مسيري بگذاريم كه اشتياق جان‌ها و دل‌ها را براي درك آن دوران فزوني بخشيم و پيش بيني‌هاي وحياني را ملموس و مطلوب همگان سازيم.

رسول گرامي اسلام صل الله عليه و آله مي‌فرمايد: «… خوشا به حال كسي كه با مهدي، ملاقات كند و خوشا به حال كسي كه او را دوست داشته باشد و خوشا به حال كسي كه به او معتقد باشد؛ او آنان را از هلاكت نجات مي‌بخشد. به خاطر اقرار به خداوند و به رسول او و به همة امامان، خداوند بهشت را به روي آنان مي‌گشايد. مثل آنان در زمين، همچون مشك است كه بويش پخش مي‌شود و تغيير نمي‌كند و مثل آنان در آسمان، همچون ماهِ نورافشان است كه نورش هرگز خاموش نمي‌گردد»[5] و «زمين پربركت مي‌شود و امت من در عصر او چنان زندگي ]خوبي[ دارند كه در هيچ زماني چنين نبوده است (تعيش امتي في زمانه عيشاً لم تعشه قبل ذلك في زمان قطّ)»[6].

همچنين: «امت من در عصر او چنان برخوردار از نعمت‌ها مي‌شوند (و به سطح بالايي ازرفاه و زندگي مي‌رسند) كه نظيري براي آن نيست (تتنعم امتي في زمن المهدي نعيماً لم يتنعّموا مثله قط)[7]».

البته شكوفايي و بالندگي در عصر ظهور، منحصر درانسان نيست؛ بلكه شامل علم و صنعت، اقتصاد، كشاورزي، سياست و… مي‌شود و جامعه جهاني از يك رشد متوازن، فراگير و چند بعدي برخوردار مي‌گردد. اميد آنكه انديش‌وران و پژوهشگران با دقت و ژرف نگري در اين عرصه، ابعاد و زواياي مختلف اين رشد و شكوفايي فراگير را تبيين كنند و با رويكردهاي علمي و نظري، امكان تحقق بعضي از آنها را در جامعة منتظر، بررسي نمايند.

چشم‌ها پرسش بي‌پاسخ حيراني ها

دست‌ها،تشنه تقسيم فراواني ها

با دل زخم، سر راه تو آذين بستيم

داغ‌هاي دل ما، جاي چراغاني‌ها

حاليا دست كريم تو براي دل ما

سرپناهي است در اين بي‌سر و ساماني ‌ها

وقت آن شد كه به گل، حكم شكفتن بدهي

اي سرانگشت تو آغاز گل افشاني‌ها

فصل تقسيم گل و گندم و لبخند رسيد

فصل تقسيم غزل‌ها و غزل خواني‌ها

چشم تو، لايحة روشن آغاز بهار

طرح لبخند تو پايان پريشاني‌ها

[1]. مجلسي، بحارالانوار، ج51، ص30.

[2]. علي بن عيسي اربلي، كشف الغمة، ج2، ص470.

[3]. نعماني، الغيبة، ص243.

[4]. همان، ص230، ح13.

[5]. مجلسي، بحارالانوار، ج52، ص311.

[6]. سيوطي، العرف الوردي، ص99.

[7]. اربلي، كشف الغمة، ج2، ص473.